

عنوان مقاله:

سیمای کودکان کار در آثار داستانی کودکان و جوان فارسی پس از انقلاب اسلامی

محل انتشار:

فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره 21، شماره 73 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

فرامرز خجسته - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

عاطفه جمالی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

مریم زبیدی - کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

خلاصه مقاله:

داستان های کودک و نوجوان به طور عام و داستان های کودکان کار و خیابانی، به طور خاص، با فراهم آوردن زمینه و فضای تخیلی، به مخاطبان خود این امکان را می دهند تا ضمن هم ذات پنداری و همانندسازی با شخصیت های داستان، به وجهی خیالی، اما معرفت شناسانه، ماجراها و کشمکش های گاه ناخوشایند زندگی را نیز تجربه کنند و افق دیدشان را گسترش بخشند. از سویی، دقت نظر در شیوه که تحلیل و جهت گیری های متون داستانی به مقوله کار کودکان، روشنگر دگرگونی ذهنیت و الگوهای گفتمانی یک مربوط به کار کودک در گذر زمان، خواهد بود. در این مقاله که به شیوه تحلیل محتوای کیفی، بیش از 50 رمان و مجموعه داستان با نگاهی جامعه شناسانه بررسی شده است، کوشیده ایم تا به این پرسش بنیادین پاسخ بگوییم که داستان کودک و نوجوان ایران پس از انقلاب اسلامی در گستره چندین دهه نسبت به کار کودک و زندگی کودکان کار و خیابان چه الگوها و دیدگاه هایی را فرار نموده است. یافته نهایی پژوهش و سیما نشان می دهد که نگاه به کار کودک در جهان سنتی و روستایی داستان، به مثابه عنصری مثبت مرحله ای برای تشریف و به بزرگسالی، و فضای شهری و صنعتی در حکم مقوله از جنس استثمار و تعرض به حقوق کودک است. این دگرگونی با تحولات اجتماعی ایران و جایگزینی اقتصاد عمدتاً دهقانی با اقتصاد صنعتی هم نوایی دارد.

کلمات کلیدی:

ادبیات داستانی کودک و نوجوان، جامعه شناسی ادبیات، الگوهای کار کودک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/722063>

